

گزارش تاریخی

۸۷ سال از مرگ مرموز وزیر دربار مقتدر رضاشاه گذشت

اقتداری که بلای جان شد!



روز نُه‌م مهرماه سال ۱۳۱۲، خانواده تیمورتاش، وزیر دربار قدرتمند رضاشاه که چند صبحی را به جرم جاسوسی برای شوری در زندان گذرانده بود، خبر مرگ او را دریافت کردند. جنازه همان روز به خانواده‌آن‌ها تحویل داده شد. به این ترتیب پرورنده زندگی یکی از طرفداران سرسخت رضاخان میرپنج و از عوامل به قدرت رسیدن او را، مختومه اعلام کردند. اما یک ابهام تاریخی باقی ماند؛ آیا تیمورتاش واقعاً جاسوسی کرده بود؟ آیا آن‌طور که برخی منابع گزارش داده بودند، انگلیسی‌ها ماجرای انتقال اسناد محرمانه به شوروی را، به رضاشاه اطلاع دادند و باعث شدند تیمورتاش به‌مخمصه بیفتد؟ حسین فردوست،

دوستان و ندیم محمد رضا پهلوی در خاطراتش به ارتباطات آشکار تیمورتاش با روس‌ها اشاره کرده و معتقد است که به احتمال زیاد، موضوع جاسوسی صحت داشت. اما از آن طرف، برخی دیگر معتقدند که عامل اصلی سقوط و مرگ تیمورتاش در زندان که طبق روایت مشهور، توسط پزشک اردنی به انجام رسید، بیش از آن که جاسوس بودن وی باشد، اقتدارش بود. رضاشاه، تقریباً از نیمه دوم دوران سلطنتش، آشکارا به اطرافیان و دوستان قدیمی خود ظنن بود. به‌زعم او، هر شخصی که به لحاظ شهرت اجتماعی یا اقتدار مالی و نظامی، بالاتر از وی قرار می‌گرفت می‌توانست در جهت حذف پهلوی‌گام بردارد. در این سال‌ها، در وجود رضاشاه این ذهنیت که می‌تواند بدون استفاده از مشاوران قدرت‌مند، کارها را یک‌تنه اداره کند، اوج گرفته بود. به همین دلیل، بسیاری از کسانی را که در ابتدای کار با وی همراهی کرده و برای دوام حکومتش کوشیده بودند، مانند محمدعلی فروغی، علی اکبرخان داور، نصرت‌الوله فیروز و البته، عبدالحسین تیمورتاش را، مخل‌آسایش خودتشخیص داد و به تدریج به‌حذف سیاسی و عمدتاً فیزیکی آن‌ها مبادرت ورزید. ماجرای جاسوسی عبدالحسین تیمورتاش، چه واقعیت داشته باشد و چه نه، در ست‌به‌موقع بهانه را به دست رضاشاه داد تا از شریک نظامی تحصیل کرده که مورد توجه سفارتخانه‌های خارجی بود با القوم می‌توانست رقیب قدرتمندی برای او باشد، راحت‌شود.

تاریخ جهان

آیا ما با هجوما سفید پوستان را پیش‌بینی کرده‌بودند؟

تمدنی که اروپا به آتش کشید



شاید برای بسیاری از ما که تاریخ جهان را با استفاده از آثار غربی مرور می‌کنیم، پذیرش این مطلب سخت‌باشد که سرخیوستان قاره آمریکا، پیشینه‌ای هزاران ساله در خلق تمدن دارند. در بین این اقوام صلح‌جو که در قرن پانزدهم و شانزدهم میلادی، هدف هجوم طمع‌آلود اروپایی‌ها قرار گرفتند و تمدن بزرگ آن‌ها، یک‌باره رنگ نابودی به خود گرفت، مایاها جایگاهی ویژه داشتند؛ مردمی که در آمریکای مرکزی ساکن بودند، اما دایره تمدنی آن‌ها تا شمال ایالات متحده امروزی کشیده می‌شد. آن‌ها در سال ۸۰۰ میلادی (۱۷۹ ه.ش)، هنگامی که اروپادر حال اضمحلال و ر‌کود بود، به‌اوج تمدن خود رسیدند؛ شهر تاریخی «اوچمال» در جنوب مکزیک که همه‌ساله شاهد حضور میلیون‌ها گردشگر است، در ست در همین زمان و به دست معماران توانمند مایایی ساخته شد. مایاها توانایی ویژه‌ای در استفاده از طلا برای ساخت اشیای زینتی به‌دست آوردند. حجم بالای معادن این فلزگران‌بها در مناطق سکونت آن‌ها، باعث شد که طلا یکی از مصالح مورد استفاده در بناهای رسمی و مذهبی مایاها باشد؛ چیزی که اروپایی‌های طماع را واداشت این قوم تمدن‌و آرام را به‌ردگی بگیرند و سرزمین‌شان را غارت کنند. در اساطیر مایایی که در کتاب «چیلام‌بالام» بخشی از آن‌ها وجود دارد، هجومی و وحشیانه و نابودگر به سرزمین مایاها پیشگویی شده است؛ در متن این پیشگویی آمده است: «در آن روز، گرد و غبار مالک زمین خواهد شد؛ در آن روز، دانی بر چهره زمین دیده خواهد شد؛ در آن روز، ابری به‌هوا بر خواهد خاست؛ در آن روز، همه چیز از هم فرو می‌پاشد؛ در آن روز، برگ لطیف می‌پژمرد؛ در آن روز، چشمان در حال مرگ فرو بسته خواهد شد. بسیاری از مایاها، هنگام ورود رو پایبان، معتقد بودند که این پیشگویی به‌وقوع پیوسته و دنیا به آخر رسیده است.

صفحه آرایی

واحد صفحه‌آرایی روزنامه خراسان
سفارش می‌پذیرد

۰۵۱۳۷۰۰۹۳۹۰

layout@khorasannews.com

دنیای به‌هم ریخته پشت‌مرزها

دورانی که از آن صحبت می‌کنیم، دوران آغاز رقابت‌های استعماری میان دولت‌های اروپایی است. مدتی پیش از آن که شاه‌عباس قدرت خود شاه‌عباس یکم، یعنی بین سال‌های ۹۵۵ تا ۹۷۰ خورشیدی، چیزی حدود ۱۵ سال، دورانی سر اسر آشوب و بلوا بود؛ دورانی که مرزهای شرق و غرب، آماج حملات ازبک و عثمانی قرار گرفت و امنیت از کشور رخت بریست. شاه‌عباس توانست باتکیه بر توانمندی ذاتی و البته چاشنی کردن خشونت و بی‌رحمی کم‌ظنیر، قدرت خود را در کشور تثبیت و به‌تدریج، بر رقبای داخلی و خارجی غلبه کند. با این حال، او تنها در کشور گشایی مهارت نداشت، بلکه در کشورداری هم، از کیاست و سیاست فراوان بهره‌مند بود که در این نوشتار، برآنیم تا این مسئله را در عرصه اقتصادی بررسی کنیم.

خسبسی‌از رنگ؟!

یکی از ویژگی‌های مهم شاه‌عباس یکم، توجه‌اکید وی به مقوله اقتصاد بود؛ تا آن‌جا که برخی از مورخان وی را به خست‌متهم کرده‌اند. در این تردیدی نیست که شاه صفوی، هر امتیاز ثروت‌آوری را در کشور، متعلق به خود می‌دانست. احتمالاً درگیری او با خان احمد گیلانی (در گذشته به سال ۹۷۵ خورشیدی)، شوهر عمه اش، بر سر انحصار تجارت ابریشم خطه گیلان بود که در مغرب‌زمین مشتریان فراوانی داشت. با این حال، روش شاه‌عباس در تسهیل تجارت با خارجی‌ها، فقط برای خود او سود نداشت؛ بلکه چرخه اقتصاد ایران را به گردش در می‌آورد و شکوفایی اقتصادی، زمینه‌ساز شکوفایی فرهنگی و... نیز می‌شد. از این رو به باید دیپلماسی اقتصادی و تجاری فرمانروای مقتدر صفوی را، برای عامه ایرانیان مفید بدانیم. در این بین، آگاهی شاه‌عباس از چگونگی روابط میان دولت‌های اروپایی، نقش مهمی را در شکل گرفتن طرح‌های تجاری وی ایفا می‌کرد.

شوخی‌های جدی شاه‌عباس!

شاه‌عباس کاملاً از اختلافات میان رقبای تجاری اروپایی آگاه بود. او مهمانی‌های بزرگ برگزار می‌کرد، سفرای اروپایی را فرامی‌خواند و به‌قول نصرا... فلسفی، در کتاب «شاه‌عباس اول»، آن‌ها را زیر نظر می‌گرفت تا ببیند کدام یک با دیگری حرف‌نی‌زند یا روبرو می‌گرداند. افزون بر این، با جهانگردان اروپایی، ساعت‌ها گپ می‌زد و ثمره این گفت‌وگوها، آشنایی بیشتر فرمانروای صفویه

بازی انگلیسی و هلند در زمین شاه عباس!

فرمانروای مقتدر صفویه چگونه از دشمنی کشورهای اروپایی با یکدیگر، برای رونق اقتصادی ایران بهره‌می‌برد؟

با اوضاع آن سوی عالم بود. ساختار دیپلماسی تجاری شاه‌عباس، دقیقاً بر اساس توجه به این اختلافات بنا شد. اسکندربیک‌ترکمان در «عالم آرای عباسی»، حتی از شوخی‌های شاه‌عباس با سفرای اروپایی سخن گفته است که بر اساس اختلافات میان دولت‌های آن‌ها و با هدف دوه‌به‌زنی انجام می‌گرفت!

وقت کاسبی است!

در چنین موقعیتی، ایران به عنوان مرکز مهم تولید ابریشم و البته، کشوری با جمعیت بالا، در آمدمناسب و موقعیت جغرافیایی خوب، بسیار مورد توجه تاجران اروپایی قرار داشت و آن‌ها، به قول معروف، برای ورود به بازار ایران سرودست می‌شکستند. شاه‌عباس با آگاهی از مسائلی که برشمرديم، تصمیم گرفت رقبای بزرگ اروپایی را برای کسب سود بیشتر، به بازی در زمین خود وادارد. او با این که از ناوگان انگلیسی‌ها برای اخراج پرتغالی‌ها از گمبرون (بندرعباس فعلی) و جزایر خلیج فارس بهره‌برده بود، اما حاضر نشد به آن‌ها اجازه ورود کلا، بدون عوارض گمرکی را بدهد؛ انگلیسی‌ها با فرمان مشهور «ابریشم» حق خرید این کالا را در داخل ایران به دست آورد ه‌بودند؛ حتی که البته انحصاری نبود! مدتی بعد، شاه‌عباس بدون این که انگلیسی‌ها را در جریان امر قرار دهد، به‌هلندی‌ها هم اجازه فعالیت اقتصادی و گشایش تجارت خانه را در بنادر ایران و اصفهان داد. انگلیسی‌ها که به‌شدت از این کار شاه صفوی شاکی شده بودند، کوشیدند او را وادارند که رقیب قدر را از بازار ایران براند؛ اما شاه‌عباس به این تقاضا وقعی ننهاده. به این ترتیب، دعوای میان هلند و انگلیس به رقابت در بازار ایران کشید و از آن‌جا که آن‌ها نمی‌توانستند داخل خاک ایران به روی هم اسلحه بکشند، مجبور شدند برای تصاحب بازار به رقابت تجاری



روایت‌های متفاوتی از شاه‌عباس وجود دارد.

آگهی مناقصه عمومی



شهرداری بندرعباس

سازمان عمران و باز آفرینی فضاهای شهری شهرداری بندرعباس به استناد مصوبه شماره ۴/۵۷۵۱۵ مورخ ۹۹/۶/۱۱ هیئت مدیره و مجوز تامین اعتبار شماره ۲۱۵/۵۶ در نظر دارد تعمیر اساسی و تقویت کارخانه آسفالت هورمودر را از طریق مناقصه عمومی به اشخاص حقوقی واجد شرایط واگذار نماید لذا جهت دریافت اسناد مناقصه از تاریخ ۹۹/۷/۹ لغایت ۹۹/۷/۱۹ به نشانی: بندرعباس، خیابان فجر، کوچه عدالت ۱، ساختمان حوزه معاونتها، طبقه دوم، امور قراردادهای سازمان عمران و باز آفرینی فضاهای شهری شهرداری مراجعه نمایند.

لازم به ذکر است:

- واریز مبلغ ۱۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال جهت تضمین شرکت در مناقصه به شماره حساب ۰۱۱۰۱۹۱۲۹۷۰۰۱ نزد بانک ملی به صورت واریز نقدی یا ضمانتنامه معتبر بانکی دارای حداقل سه ماه اعتبار(چک تضمین شده بانکی و اسناد مطالبات قابل قبول کمیسیون نمیشد). در وجه سازمان عمران و باز آفرینی فضاهای شهری شهرداری بندرعباس الزامی است.
- سازمان در رد یا قبول کلیه پیشنهادات مختار است
- هزینه چاپ آگهی به عهده برنده مناقصه میباشد.
- برنده مناقصه می بایست ۱۰٪ مبلغ کل قرارداد را به عنوان حسن انجام تعهدات در وجه سازمان تودیع نماید.
- این آگهی برابر آیین نامه معاملات جدید شهرداری تهران (تسری به مراکز استانها) صرفا یک نوبت چاپ میگردد.
- آخرین مهلت جهت ارائه پیشنهاده‌ها پایان وقت اداری روز سه شنبه مورخ ۹۹/۷/۲۲ تاریخ بازگشایی پاکتها ساعت ۱۲ روز چهار شنبه مورخ ۹۹/۷/۲۳ در سازمان عمران و باز آفرینی فضاهای شهری شهرداری بندرعباس می باشد.
- مبلغ پیشنهادی باید مشخص ، معین و بدون ابهام و خط خوردگی و در پاکات مربوطه به شرح شرایط مندرج در اسناد مناقصه لاک و مهر شده باشد.
- هرگاه برندگان اول و دوم وسوم مناقصه حاضر به انعقاد قرارداد نشوند سپرده آنان به ترتیب اولویت به نفع صندوق سازمان عمران ضبط خواهد شد.
- شرکت در مناقصه و دادن پیشنهاد به منزله قبول شروط و تکالیف ماده ۱۰ آیین نامه مالی شهرداری تهران و مراکز استانها است.
- حضور پیشنهاد دهندگان یا نمایندگان قانونی آنها در تاریخ بازگشایی پاکات مجاز می باشد بدیهی است عدم حضور مانع از تصمیم گیری کمیسیون نخواهد بود.
- مدت شروع قرارداد ۹ ماه شمسی میباشد ودر طول مدت قرارداد هیچگونه تعدیل و مابه التفاوت حتی با افزایش و یا کاهش فاحش قیمتها پرداخت نمی گردد.
- به ازاء هر روز تأخیر در اجرای موضوع قرارداد مبلغ ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال از مطالبات پیمانکار کسر میگردد.
- سازمان عمران میتواند در صورت نیاز ۲۵ درصد از حجم موضوع قرارداد را به تناسب همان مبلغ اولیه قرارداد کسر یا اضافه نماید و پیمانکار در این خصوص اعتراض ندارد.
- سایر جزئیات و مشخصات در اسناد مناقصه قید گردیده است که متقاضیان باید یک نسخه از آن را دریافت و با قید قبولی امضا و پیشنهاد خود را ضمیمه و تسلیم نمایند .

تاریخ

۷

نکته تاریخی

پشت پرده یک اتفاق تلخ در دوره افشاریه

نقش بریتانیا

در کور شدن پسر نادرشاه



نادر شاه پس از فتح هند، با غنایم بسیار به ایران باز گشت و مالیات سه سال را بر مردم بخشید؛ اما هنوز چندصباحی نگذشته بود که روحیاتش تغییر کرد و در مسیر بدبینی افتاد؛ مالیات بخشوده را یک جاطلب کرد و به جان فرزندان ذکر خود افتاد و رضاقلی میرزا، پسر ارشد و ولیعهدش را از دوچشم نابینا کرد. درباره چرایی این اتفاق، دلایل مختلف و متفاوتی ابراز شده است. برخی این سوءظن را به ترور نافرجام نادرشاه در جنگل‌های مازندران نسبت می‌دهند؛ تبری از پشت درختان به سوی شاه افشار پرتاب شد؛ اما او از مهلکه جان به‌در برد. می‌گویند نادر در این ماجرا، فرزند ارشدش رضاقلی میرزا را متهم کرد؛ اما از چه رو باید انگشت اتهام به سوی ولیعهد دودمان افشار گرفته می‌شد؟ واقعیت آن بود که نادرشاه، رضاقلی میرزا را هنگام حرکتش به سمت هند، جانشین خود در ایران قرار داد و زمام امور را به دست وی سپرد. هنوز مدتی از رفتن نادر نگذشته بود که انگلیسی‌ها و نمایندگان کمپانی هند شرقی به سراغ رضاقلی میرزا رفتند تا وی را در باب بستن یک قرارداد تجاری گسترده، مجاب کنند. این قرارداد، قراردادی بود که نادر تن به آن نداد. اما بریتانیا فرصت را برای جولان در فضای اقتصادی کشور مافراهم دید و رضاقلی میرزای جوان و ناپخته را به دام هولناک انعقاد قرارداد تجاری کشاند؛ هر چند که نادرشاه پس از بازگشت، این قرارداد را بی اعتبار خواند، اما رفتار خود سرانه رضاقلی میرزا در امضای قرارداد که ظاهر او راوی اختیارات او بود و می‌شد از آن امید ولیعهد نادر، به مرگ وی در نبرد هندرا برداشت کرد، باعث بدبینی شدید شاه افشار به پسر ارشدش شد و یکی از عواملی بود که زمینه آن واقعه تلخ را فراهم آورد و نادر، فرمان کور کردن پسرش را صادر کرد.